

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)
سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۳۳، پاییز ۱۳۹۸ / صفحات ۱۰۱-۱۲۹

تشکیلات اداری جواهرات سلطنتی در دوره صفویه^۱

سید مسعود سید بنکدار^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۱

چکیده

در طول تاریخ ایران هرگاه سلسله‌های قدرتمندی حاکمیت می‌یافتند، مجموعه‌های ارزشمندی از جواهرات و زر و سیم در خزانه‌های آنها جمع‌آوری می‌شد. در همین راستا، تشکیلات نسبتاً منظمی برای حفظ و نگهداری این گنجینه‌ها در این دربارها به وجود می‌آمد؛ که درون این تشکیلات، کارگاه‌هایی برای ساخت و پرداخت جواهرات تازه برپا می‌شد.

در دوران صفویه، علاقه پادشاهان این سلسله به داشتن درباری باشکوه و عظیم موجب شده بود مجموعه‌ای از بهترین نفایس و جواهرات در دربار جمع‌آوری شود. در این دوره، تشکیلات منظمی برای حفظ، نگهداری، تهیه و ساخت جواهرات در دربار ایجاد شد که در منابع این دوره، اطلاعات ارزشمندی درباره عملکرد این تشکیلات و مناصب مرتبط با آن یافت می‌شود.

در مقاله حاضر، تلاش شده است تا با مطالعه اسناد مجموعه توثیق‌سرای و منابع موجود، به بررسی تشکیلات اداری جواهرات سلطنتی و مناصب مرتبط با ساخت این مجموعه پرداخته شود.

روش تحقیق در این مقاله، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و تطبیق و تحلیل منابع موجود، به خصوص منابع اصلی است. در این تحقیق تاریخی، پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و سرانجام استنتاج آنها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: جواهرات سلطنتی، صفویه، تشکیلات اداری، مناصب، بیوتات سلطنتی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2019.22294.1781

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان؛ masoudbonakdar@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ ایران، همزمان با ایجاد سلسله‌های قدرتمند، مجموعه‌های ارزشمندی از جواهرات، طلا، نقره و سایر اشیای گرانبها در خزانه جمع‌آوری می‌شد. در بیشتر این دوره‌ها، در دربارها تشکیلاتی برای ساخت و نگهداری این نفایس وجود داشته است. توصیفات روشنی درباره گنجینه‌های سلسله‌های هخامنشی (قائمی، ۱۳۴۹: ۱۳۷، ۱۳۸؛ بریان، ۱۳۷۷: ۱۷۸/۱) و ساسانی (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۲۱/۵، ۱۸۲۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۳۳/۸، ۳۳۲؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۳۲۲/۱-۳۲۴؛ مجهول‌المؤلف، ۱۳۷۳: ۱۳۸/۳، ۱۳۶۶) در دست است، اما اطلاع کامل و دقیقی درباره تشکیلات نگهداری و ساخت این گنجینه‌ها وجود ندارد. با وجود این، با اتکا به اشاره‌های برخی از منابع، مشخص می‌شود که در این دوره‌ها تشکیلات منظمی برای ساخت، نگهداری و محافظت از این آثار وجود داشته است. در دوره اسلامی نیز جواهرات و نفایس ارزشمندی در خزانه‌های پادشاهی جمع‌آوری می‌شد. البته با وجود آنکه این خزاین در منابع توصیف شده‌اند، اما اطلاعات دقیق و کافی درباره تشکیلات اداری مربوط به ساخت و نگهداری این خزاین در منابع نیامده است.

با شکل‌گیری سلسله صفویه در ایران، مانند دوره‌های پیش، مجموعه ارزشمندی از جواهرات پیاده،^۱ مرصع‌آلات، زرینه‌آلات و سیمینه‌آلات که از آنها با عنوان جواهرات سلطنتی نام برده می‌شود، در خزاین و دربار جمع‌آوری شد. برخلاف دوره‌های پیشین که منابع اطلاعاتی در مورد تشکیلات اداری جواهرات سلطنتی ارائه نمی‌دهند، در این دوره به واسطه اطلاعات ارزشمند منابع، آگاهی‌های بیشتری درباره چگونگی تشکیلات جواهرات سلطنتی به دست می‌آید.

از آنجا که مجموعه مذکور نمادی از قدرت و ثروت دربار پادشاه بود، تشکیلاتی را لازم داشت تا ضمن استفاده از این جواهرات در تشریفات و رسوم درباری، حفاظت و حراست از مجموعه را نیز تأمین کند. بر این اساس، بخش‌های مختلفی در دربار صفوی، از جواهرات سلطنتی به منظور نمایش شکوه و جلال دربار استفاده می‌کردند و در همان حال، این تشکیلات نظارت دقیقی برای حفظ و نگهداری اشیا انجام می‌دادند. از طرفی، با توجه به حجم زیاد و ارزش فوق‌العاده جواهرات سلطنتی در این دوره، تشکیلات ایجاد شده برای حفظ و نگهداری مجموعه نیز بسیار گسترده و منظم بودند.

با وجود اهمیت بالای جواهرات سلطنتی و تشکیلات اداری گسترده مرتبط با آن در دوره صفویه، تاکنون پژوهش مستقل و جامعی برای بررسی این موضوع انجام نگرفته و تنها در چند

۱. منظور قطعات جواهر است که بر پایه طلا و نقره نصب نشده باشند.

مقاله به بخش‌هایی از این موضوع اشاره شده است.

در مقاله «هنر زرگری در ایران»، کوروش فتحی به بررسی هنر زرگری، تکنیک‌ها و تحولات این هنر در عصر صفویه پرداخته است. نویسنده در ادامه مقاله جایگاه زرگران در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره را نیز مدنظر قرار داده، اما به بحث مطالعه تشکیلات اداری جواهرات سلطنتی ورودی نداشته است. پژوهش دیگر، مقاله‌ای با عنوان «زرگری و جواهرسازی عصر صفوی» نوشته حسین میرجعفری و سید مسعود سید بنگدار (تابستان ۱۳۸۷) است که نویسندگان به بررسی هنر زرگری و جواهرسازی در دوره صفوی پرداخته‌اند و در خلال مقاله انواع و اقسام مصنوعات جواهرنشان در این دوره را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این مقاله نیز به موضوع تشکیلات جواهرات سلطنتی به طور مستقل پرداخته نشده است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «منصب ناظر بیوتات در دوره صفویه» (تابستان ۱۳۸۹) که توسط محمدمبین نژد نجفیان و محمدرضا مهدوی به نگارش درآمده، به بررسی منصب ناظر بیوتات در تشکیلات اداری صفویان از دوره شاه‌عباس تا سقوط این سلسله پرداخته شده و موضوع مورد مطالعه آنها، تمرکزی بر روی جواهرات سلطنتی نداشته است.

پژوهش حاضر برای روشن کردن تشکیلات اداری مربوط به جواهرات سلطنتی در دوره صفویه، حائز اهمیت است. مؤلفان پژوهش حاضر به بررسی این مسئله پرداخته‌اند که در دوره‌های مختلف، پادشاهان صفوی برای ساخت و ایجاد جواهرات و حفظ و نگهداری جواهرات سلطنتی، چه تشکیلات اداری و دیوانی داشته‌اند و مناصب مرتبط با این تشکیلات چه بوده است؟

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک آرشیوی استفاده شده است. در این روش، پس از جمع‌آوری اطلاعات کافی، به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

چگونگی شکل‌گیری جواهرات سلطنتی در دوره صفویه

شکل‌گیری خزاین و نفایس خاندان صفوی، سال‌ها پیش از به سلطنت رسیدن شاه‌اسماعیل اول (۹۰۷ق) آغاز شده بود؛ زیرا شیوخ صفوی به یمن نذورات، غنایم جنگی و هدایای پیروان خود، صاحب خزاین ارزشمندی بودند. پس از به قدرت رسیدن شاه‌اسماعیل اول، این مجموعه شکل تازه‌ای به خود گرفت. شاردن^۱ در گزارش خود از قلعه «طبرک»^۲ به «تاریخچه

1. Chardin

۲. قلعه‌ای مشهور در اصفهان عصر صفوی و محل نگهداری جواهرات سلطنتی و نفایس پادشاهان این سلسله. (بنگرید به: شاردن، ۱۳۴۵: ۷/ ۲۷۶-۲۷۷).

تأسیس گنجینه شاهنشاهی ایران» اشاره کرده و نوشته است: «اظهار یقین می‌کنند که از زمان شیخ صفی انباشتن این گنجینه آغاز شده است، ولی برخی می‌گویند که بسیار مقدم بر آن است» (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۷۴/۷). در منابع اولیه صفویه نیز به ثروت و مکنت این خاندان و جمع‌آوری نفایس، به‌ویژه پس از درگذشت شیخ صفی‌الدین اشاره شده است. شیخ صفی‌الدین در زمان حیاتش از جانب رقبا (مریدان شیخ زاهد گیلانی) به جمع‌آوری مال و ثروت متهم شده بود. آنان به شیخ زاهد گفتند وی «در مقام سجاده‌نشینی به جمع مال مشغول است» (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۱).

شهرت و محبوبیتی که شیخ صفی‌الدین در میان مریدان و طرفداران خود به دست آورد، باعث شد در مدت کوتاهی نذورات و تحف گران‌بهایی از اطراف و اکناف به سوی اردبیل سرازیر شود. این روند پس از مرگ وی نیز ادامه یافت (خنجی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۵۸). خنجی^۱ شیخ صفی‌الدین را از اتهام مال‌اندوزی مبرا می‌دانست، اما درباره فرزندانش وی نظر متفاوتی داشت و آنان را متهم می‌کرد که با سوءاستفاده از ثروت شیخ، به مال‌اندوزی و جمع‌آوری ثروت پرداخته‌اند (همان، ۲۵۹). سهم جواهرات از این دارایی مشخص نیست، اما مسلم است که بخشی از آن را جواهرات تشکیل می‌داد.

ثروت و تجمل خاندان صفوی در دوره شیخ ابراهیم به جایی رسیده بود که آشپزخانه وی مملو از ظروف طلا و نقره بود (منشی ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۷/۱) و «... [خوان خلیل از زینت نقره‌آلات مطبخ بی‌عدیلش رتبت گرفتی و بهشت لازم‌التعدیل از عکس اوانی آفتاب تمثیلش زیب پذیرفتی]...» (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۵). در دورانی که شیخ جنید و شیخ حیدر رهبری طریقت صفوی را برعهده داشتند، ثروت آنان به واسطه هدایا و نذورات مریدان و طرفدارانشان افزایش یافت و خزاین آنها از نفایس گران‌بها غنی‌تر شد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۶) و با تلاش‌های پسران حیدر، علی و برادرش اسماعیل برای رسیدن به قدرت، ادامه یافت. خلیل مریدان نذورات و هدایای خود را تحویل می‌دادند تا مراتب ارادت و اخلاص خود را نسبت به مرشد کامل ابراز دارند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۴۴۱، ۴۴۰)؛ به طوری که «در این اوقات صوفیه اصحاب ارادت از هر جانب متوجه شده خفیه نذور می‌گذرانیدند و نقد اخلاص خود را بر محک اختصاص زده سد ارادت را به ریختن طلا و نقره محکم می‌گردانیدند» (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۳۷).

۱. فضل‌الله بن روزبهان خنجی، شافعی معتقدی بود که کثرت علاقه و اعتقاد او در مواقعی به مرز تعصب می‌رسید. این علاقه و توجه وی به اهل سنت، باعث کینه‌توزی وی نسبت به پادشاهان صفوی و طرفداران آنها شده بود؛ به گونه‌ای که در سراسر کتاب *مهمان‌نامه* سعی کرده بود پادشاهان و امرا را علیه حکومت صفوی به جنگ وادارد (خنجی، ۱۳۸۲: بیست‌وشش).

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۱۰۵

در نتیجه، زمانی که شاه اسماعیل اول اعلام سلطنت کرد، به واسطه موقعیت و پایگاه خانوادگی اش، صاحب مکننت و ثروت بود و پس از پادشاهی نیز بر این ثروت افزود. بنابراین عجیب نیست زمانی که شاه اسماعیل از خواجه نظام الملک فرستاده سلطان حسین بایقرا استقبال کرد، خواجه با دیدن شکوه، تجمل و جواهرات دربار شاه اسماعیل با تعجب گفت: «[...] تبارک الله آن خالقیکه در اندک زمانی این شهریار از گیلان با هفت نفر صوفی خروج کرده و بی خزانه و سپاه در این اندک زمان، چند پادشاه عظیم الشان از پیش برداشته و این حشمت به هم رسانیده [...]» (مجهول المؤلف، ۱۳۸۴: ۴۵). در این مراسم سرپرده شاه اسماعیل با وسعت زیادی برپا شده بود و جلوی آن دویست رأس اسب با زین‌های مرصع قرار گرفته بودند. امرای شاه نیز با جیغه‌های مرصع، لباس‌های زربفت و شمشیرهای جواهرنشان ایستاده بودند (همان، ۱۴۶).

تشکیلات و مناصب جواهرات سلطنتی از شاه اسماعیل اول تا شاه صفی (۹۰۷-۱۰۳۸ق)
منابع تصریح کرده‌اند که در دوره شاه اسماعیل خزاین ارزشمندی از جواهرات در دربار جمع‌آوری و ساخته و پرداخته شده بود (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۱۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۲۱۵؛ مجهول المؤلف، ۱۳۵۰: ۱۲۰ و ۱۲۱؛ منشی ترکمان، ۱۳۸۲: ۲۹/۱)، اما درباره تشکیلات جواهرات اعم از کارگاه‌های تولیدی و تشکیلات مربوط به نگهداری آنها اطلاعاتی ارائه نداده و تنها به وجود بیوتات و کارخانه‌های سلطنت اشاره کرده‌اند (قمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰/۱، ۱۲۱).
سلاطین صفویه به‌ناچار بخشی از ضروریات و اشیای تجملی را در کارگاه‌ها تدارک می‌دیدند که زیرمجموعه بیوتات سلطنتی^۱ و جزو اموال خاصه به شمار می‌آمد. بسیاری از بیوتات به اداره امور خانه بستگی و اختصاص داشتند؛ همچون آشپزخانه، شیرخانه، آبدارخانه، انبارها و غیره. بعضی از بیوتات نیز -همان‌طور که گفته شد- به مانند کارخانه‌های دولتی اداره می‌شد؛ مثل کارگاه‌های اسلحه‌سازی، بافندگی، ضرب‌آب‌خانه و نظایر آن (مینورسکی، ۲۵۳۶: ۴۸).

آگاهی ما نسبت به وجود کارگاه‌های ساخت جواهرات و بخش‌های آن در این دوره، براساس سیاهه اموالی است که از قصر «هشت‌بهشت» شاه اسماعیل در تبریز برداشته شده است و اکنون این صورت در آرشیو موزه «توپقاپی سرای» نگهداری می‌شود. پس از شکست شاه در جنگ چالدران از سلطان سلیم، مقادیر قابل توجهی از جواهرات و نفایس موجود، همراه با

۱. بیوتات سلطنتی مجموعه‌ای بود که کارگاه‌های تولیدی و انبارهای پادشاهی را در برمی‌گرفت. جواهرات سلطنتی محصول و دارایی بخشی از این کارگاه‌ها بود (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۸).

اردوی شاه اسماعیل به دست سلطان سلیم افتاد. نمونه‌هایی از این آثار، اکنون در موزه توپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود (ملکزاده، ۱۳۵۰: ۱۱۰).

شاه اسماعیل که بخشی از دارایی خود را در صحنه جنگ از دست داده و نگران جواهرات و نفایس موجود در پایتخت خود بود، به «حلوچی اوغلو حسین بیگ»^۱ دستور داد به سرعت بقیه جواهرات و نفایس موجود در پایتخت را قبل از رسیدن «احمدپاشا اوغلی» صدراعظم سلطان سلیم، از تبریز به مکانی امن و دور از دسترس عثمانی‌ها انتقال دهد (گنج، ۱۳۹۰: ۱۳؛ 237-238: Genc, 2015). این فرمان به سرعت به مرحله اجرا درآمد. با وجود این، به دلیل کثرت خزاین پادشاه، امکان انتقال همه آنها وجود نداشت و با وجود تلاش‌های زیاد، برخی از جواهرات و اموال سلطنتی در تبریز بر جای ماند (گنج، ۱۳۹۰: ۱۶-۲۱). بدین ترتیب، اقلام ارزشمندتر خزاین و دربار شاهی انتقال داده شد و آنچه در کارخانجات شاهی و بخش‌هایی از بیوتات باقی مانده بود، آثار نیمه‌تمام و مصالح باقیمانده در کارگاه‌ها بود که به دست سلطان عثمانی افتاد.

با رسیدن سپاهیان سلطان سلیم به تبریز و استقرار در کاخ هشت‌بهشت، هر آنچه برجای مانده بود، توسط مأموران سلطان جمع‌آوری و سیاه‌برداری شد. سیاهه این اموال هم‌اکنون در آرشیو موزه توپقاپی استانبول موجود است (گنج، ۱۳۹۰: ۱۶-۲۱، ۲۷، ۲۸؛ 229: Genc, 2015). در این سیاهه، علاوه بر صورت اموال، به محل نگهداری و کارگزاری که مسئولیت این اموال را برعهده داشتند، نیز پرداخته شده و به همین دلیل اطلاعات ارزشمندی درباره تشکیلات جواهرات و مقامات مربوطه در دست است. در گزارش مربوط به غنایم، بخش‌هایی از بیوتات سلطنتی، کارخانجات دربار و متصدیان این بخش‌ها بیان شده است. فهرست سیاهه مزبور نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این اقلام به صورت مواد اولیه بوده و یا مراحل ساخت آنها به پایان نرسیده بود. در این اسناد، از بخش‌هایی از بیوتات نظیر زرگرخانه، نقاش‌خانه، جبه‌خانه، خیاط‌خانه، مسگرخانه و مهترخانه نام برده شده است. افراد و هنرمندانی که در این بخش‌ها کار می‌کردند، شامل زر نشان‌ها، زرگران، سپردوزان، جبه‌چیان، خیاط‌ها، کاردگران، حکاکان، خیمه‌دوزان، زردوزان، عتابی‌بافان،^۲ مجلّدان، قنادان، نی‌زان و نقاشان بود.

برخی از این افراد مانند زرگران و زر نشان‌ها و حکاکان، فقط بر روی جواهرات و زر و سیم کار می‌کردند. تعدادی از آنان مانند زردوزان و مجلّدان و جبه‌چیان، از جواهرات در ساخت، پرداخت و تزئین مصنوعات خود بهره می‌گرفتند^۳ (گنج، ۱۳۹۰: ۱۶-۲۱، ۲۷، ۲۸؛

۱. حسین بیگ حلوچی اوغلو: از سرداران و نزدیکان شاه اسماعیل اول.

۲. نوعی پارچه تافته، قسمی از خارا که لباس معروفی است (صحراپیما، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

۳. نام تعدادی از این هنرمندان به شرح ذیل است:

سند مذکور اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ تشکیلات جواهرات دورهٔ شاه اسماعیل اول در اختیار قرار می‌دهد، اما ساختار این تشکیلات را به‌طور روشن بازسازی نمی‌کند. اطلاعات دربارهٔ این تشکیلات، در دورهٔ شاه‌طهماسب نیز چندان گویا نیست. با اتکا به اشارات پراکندهٔ منابع، می‌توان حدس زد که تشکیلات جواهرات سلطنتی، در قیاس با دورهٔ شاه اسماعیل اول تغییر چندانی نداشت و این تشکیلات تا پایان دورهٔ صفوی کم‌وبیش باقی مانده بود. شاهد این مدعا عبارات مختصر و گویایی است که در *عالم‌آرای شاه‌طهماسب* در گزارش «فرستادن القاص میرزا به زندان الموت» آمده است. بنا به این گزارش، به وی از «آنچه باید از سی‌وسه کارخانه عالم و غلامان صاحب‌جمال و [...]» لازم داشته باشد، مهیا کرد و اعطا نمود» (مجهول‌المؤلف، ۱۳۷۰: ۱۱۸). هرچند این جمله مختصر است، نشان می‌دهد که تعداد کارخانجات شاهی و تشکیلات جواهرات در این دوره نیز به مانند دوره‌های شاه سلیمان و سلطان حسین بوده است.

مهم‌ترین سندی که دربارهٔ تشکیلات جواهرات سلطنتی در دورهٔ شاه‌طهماسب اول موجود است، نامه مفصلی است که شاه‌طهماسب به حاکم هرات برای پذیرایی از «همایون» امپراتور هند نوشته است. در این نامه، مطالب پراکنده‌ای دربارهٔ بخش‌های مختلف بیوتات وجود دارد که جواهرات و ظروف طلائی و مرصع دربار در آنها ساخته، نگهداری و استفاده می‌شد. از میان صاحب‌منصبان مرتبط با این تشکیلات در این دوره، نام میرزا سلمان ناظر بیوتات، میرزا بابایی شیرازی و میرشاه میر مشرف خزانه عامره، میرزا حسن اصفهانی مشرف رکاب‌خانه و قبیج‌جی خانه، قلی بیگ چراغچی مسئول پیه‌سوز و شمعدان‌های طلا و نقره سلطنتی، حسن بیگ شربتدارباشی مسئول بخششی از ظروف مرصع و جواهرنشان شاه بیان شده است.

-
- زرگران: استاد میرک زرگر، استاد مقصودعلی، ولد خدابخش زرگر، خواجه حسین خراسانی، استاد امیرخان.
 - زرنشان‌ها: استاد درویشعلی زرنشانی، اسماعیل زرنشان، استاد پیرعلی، شمس‌الدین علی، استاد قاسم، جمال‌الدین حسین.
 - زردوزان: استاد خانعلی خراسانی زردوز، خاتون بیگی زردوز، استاد خاتون زردوز، عزیزپاشای زردوز، بهاء‌الدین زردوز، مجیدپاشای زردوز، حبیبه سلطان زردوز.
 - جبه‌چیان و اسلحه‌سازان: سید قطب‌الدین جبه‌ای، فخرالدین احمد خراسانی، سید محمود تبریزی، استاد حمزه رومی، خواجه حافظ خراسانی سپردوز، حاجی محمد، عبدالطیف سپردوز، میرابراهیم تبریزی، استاد محمدخان کوفتگر.
 - مسگرها: استاد یعقوب مسگر.
 - حکاکان: استاد سلیم، حسین حکاک.
 - مجلدان: شیخ‌زاده زین‌الدین علی، سعدالدین مذهب (گنج، ۱۳۹۰: ۱۶-۲۱، ۲۷، ۲۸؛ Genc,2015:259-268).

(مجهول المؤلف، ۱۳۷۰: ۴۰۹، ۴۱۱؛ قمی، ۱۳۸۳: ۶۱۸/۲؛ منشی ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۶۶/۱).

بخش اعظم خزاین و جواهرات شاه‌طهماسب در قزوین و در دولتخانه شاه‌نگهداری می‌شد، اما شاه‌خزاین کوچک‌تری در سایر نقاط ایران نیز داشت؛ چنان‌که در جریان حمله القاص میرزا به کاشان، بخشی از خزاین شاه‌طهماسب در این شهر به تصرف وی درآمد. بخش دیگری از خزاین و نفایس شاه‌طهماسب شامل ششصد شمش طلا و نقره که هر یک سه‌هزار منتقال شرعی وزن داشت، تا سال ۹۷۹ق/۱۹۷۱م. در قلعه معروف «قهقهه»^۱ نگهداری می‌شد. در این دوره، هرگاه سلطان عثمانی به آذربایجان لشکرکشی می‌کرد، خزاین سلطنتی را به قلعه قهقهه انتقال می‌دادند. زمانی که اسماعیل میرزا در این قلعه زندانی بود، مقداری از این شمش‌ها را برای هواداران خود فرستاده بود؛ به همین دلیل سرداران شاه‌طهماسب بقیه آنها را به قزوین منتقل کردند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۵۹۹/۱). شاه‌طهماسب در شهرهای دیگر نیز خزانه و کارخانجات شاهی داشت.

در مورد تنظیمات و تشکیلات نگهداری جواهرات سلطنتی در دوره شاه‌عباس اول، اطلاعات روشنی در دست نیست. منابع صفوی مانند *تاریخ عباسی* فقط به ذکر کلی بیوتات در موقعیت‌هایی چون تشریفات دربار پرداخته‌اند. در منبعی مانند *زبدة التواریخ* نیز تنها اطلاعات کلی درباره دیوانسالاران این دوره آمده است. در منبع مذکور به مانند منابع دوره متأخرتر صفوی، ذکر دقیقی درباره مناصب مرتبط با امنای اموال جواهرات در بخش‌های مختلف بیوتات نیامده است. همچنین بیشتر نویسندگان معاصر که به این موضوع پرداخته‌اند، به منابع اواخر دوره صفوی اتکا کردند و نوشته‌های آنها را به این دوره تعمیم داده‌اند (منجم، ۱۳۶۶: ۴۴۵، ۴۴۲؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۹۹، ۱۰۰؛ فلسفی، ۱۳۴۴: ۴۱۵/۲، ۴۱۴، ۹۸/۴)، اما به واسطه اطلاعات پراکنده‌ای که در منابع این دوره وجود دارد، نام بعضی از مسئولان جواهرات مانند «حسن» رئیس بیوتات سلطنتی یا «الله‌بیگ» ناظر کل مشخص شده است (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۶۰، ۳۶۱؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۱۷۹/۷). فرد دیگری که اطلاعات مفصل‌تری درباره او وجود دارد، محمدعلی بیگ ناظر است.^۲

۱. موقعیت این قلعه که در ناحیه قراجه‌داغ (ارسباران) قرار داشت، آن را به دژی تسخیرناپذیر برای حفظ خزاین تبدیل کرده بود (میرجعفری، ۱۳۷۸: ۱۷، ۱۸، ۱۹).

۲. در منابع گزارش‌های بسیاری درباره ذکاوت، صداقت و درستکاری وی و اعتماد بالایی که شاه‌عباس نسبت به او داشته، آمده است. این اعتماد تا پایان دوران شاه‌عباس به قوت خود باقی بود، اما پس از مرگ شاه‌عباس و به سلطنت رسیدن شاه‌صفی، خواجه‌های مغرض دربار که به دنبال بدنام کردن محمدعلی بیگ بودند، وی را به سرقت جواهرات سلطنتی متهم کردند. البته پس از بررسی اسناد و دفاتر مربوط به جواهرات، از وی رفع اتهام شد و مورد توجه شاه قرار گرفت (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۱۱۵).

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۱۰۹

تا قبل از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان، جواهرات سلطنتی در دولتخانه قزوین نگهداری می‌شد، اما با انتقال پایتخت به اصفهان در سال ۱۰۰۶ق/۱۵۹۷م، خزانه و جواهرات هم به این شهر منتقل شد. از آنجا که در دوره شاه‌صفی و جانشینانش بخش اصلی جواهرات سلطنتی در قلعه طبرک نگهداری می‌شد، می‌توان گفت انتخاب این مکان به عنوان مخزن نگهداری جواهرات سلطنتی، از دوره شاه‌عباس اول شروع شده بود.^۱ گفتنی است شاه‌عباس معمولاً در سفرهایش بخشی از خزاین و جواهرات سلطنتی را با خود همراه داشت؛ به همین دلیل هنگام مرگش در مازندران، بخشی از «خزاین و بیوتات پادشاهی» نیز همراه با جنازه وی به پایتخت انتقال داده شد (منشی ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۷۸/۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۳۵).

مناصب نگهداری جواهرات سلطنتی از دوره شاه‌صفی تا پایان دوره صفویه (۱۰۵۲-۱۱۳۵ق)

به همان میزان که منابع دوره شاه‌صفی درباره تجملات دربار و استفاده از جواهرات سلطنتی در زندگی روزمره و سنت‌های دربار صفوی صحبت می‌کنند، اشاره‌های کوتاهی نیز به مناصبی دارند که مسئولیت نگهداری خزاین و جواهرات پادشاه را برعهده داشتند.

در دوره شاه‌صفی، بخشی از طلاآلات و مرصع‌آلات و جواهراتی که مورد استفاده قرار می‌گرفت، در بخش‌های مختلف دربار به صاحب‌منصبان مربوطه سپرده می‌شد. بخشی که مورد استفاده نبود، در قلعه طبرک نگهداری می‌شد (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۴۷). بخش دیگری از جواهرات و مسکوکات در خزانه عامره، در بیرون از قلعه طبرک، در حرم نگهداری می‌شد. «ناظر بیوتات» مسئول اصلی رسیدگی به جواهرات و خزاین سلطنتی بود. از ناظران بیوتات دوران شاه‌صفی، نام افرادی چون زمان‌بیگ، حسین خان‌بیگ و صفی‌قلی بیگ در منابع آمده است (واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۶۰۹، ۳۴۱). بخش‌های دیگری نیز زیر نظر ناظر بیوتات فعالیت می‌کردند و مسئولیت مقداری از جواهرات سلطنتی را عهده‌دار بودند.

۱. جبه‌خانه

«جبه‌خانه» محل ساخت و نگهداری جنگ‌افزارها بود. بخشی از جبه‌خانه در قلعه طبرک قرار

۱. بنا به گفته دن گارسیا، قلعه طبرک بعد از تغییراتی که شاه‌طهماسب و سلطان محمدخداپنده در آن انجام داده بودند، در دوره شاه‌عباس به یک دژ چهارگوش و مجهز به دیوارهای محکم و خندقی عمیق تبدیل شد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۲۵-۲۲۶). شاه‌عباس بعد از سرکوب یولی بیگ در سال ۹۹۸ق/۱۵۸۹م. که در این قلعه پناه گرفته بود، قلعه را تخریب کرد (منشی ترکمان، ۱۳۸۲: ۲/۴۲۶، ۴۳۸). بنابراین توصیفات فیگوئروا باید بعد از تعمیرات مجدد شاه‌عباس و در جریان انتقال پایتخت به اصفهان و اختصاص قلعه به نگهداری تسلیحات و جواهرات سلطنتی باشد.

داشت. در آنجا در کنار تسلیحات نظامی، بخشی از جواهرات پیاده، مرصع‌آلات، اندوخته‌های زر و سیم و هدایایی که مورد استفاده دربار نبود، نگهداری می‌شد (قمی، ۱۳۸۳: ۹۰۷/۲). رؤسای جبهه‌خانه در زمان شاه‌صفی عبارت بودند از: شاه‌نظربیگ شاملو، عرب‌بیگ آغزیوار اوغلی شاملو، حاجی‌بیگ شاملو و ابوالفتح‌بیگ (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۴۲-۳۴۳).

۲. شیرخانه

«شیرخانه» محل نگهداری جام‌ها و تُنگ‌ها و ظرف‌های زرین و مرصع شراب شاه‌صفی بود و توسط «شیره‌چی‌باشان» شاه اداره می‌شد. شیره‌چی‌باشی‌های شاه‌صفی عبارت بودند از: بایندریگ قراچه‌داغی و صفی‌قلی‌بیگ (همان، ۱۳۴۳: ۱۲۰).

۳. آبدارخانه

محل نگهداری بخش دیگری از ظروف زرین و مرصع شاه و آشامیدنی‌ها و تنقلات سفره شاه بود. چلبی‌بیگ ایواوغلی و جعفریگ فرزند او، از آبدارباشیان شاه‌صفی بودند.

۴. مشعل‌خانه

«مشعل‌خانه» محل نگهداری مشعل‌ها، پیه‌سوزها و شمعدان‌های طلا و نقره و مرصع دربار بود. مرتضی‌قلی‌بیگ فرزند محمدرضابیگ مشعل‌دارباشی شاه‌عباس، مشعل‌دار باشی شاه‌صفی نیز بود. پس از وی، برادرش مهدی‌قلی‌بیگ به این منصب دست یافت. وجود این خانواده به خوبی نشان می‌دهد که بیشتر این مناصب موروثی بودند (همان، ۱۳۴۴).

۵. زرگرخانه

بخش مهم دیگری بود که در آن زرگران و جواهرسازان زیر نظر زرگرباشی کار می‌کردند. با توجه به اینکه «در زمان دولت این شهریار کان یمین بحر یسار که شماره سیم و زر در کف کارکنان دولت پایدار بی‌شمار بود» (همو، همان، همان‌جا)، زرگرخانه شاه‌صفی بسیار فعال بود. نام زرگرباشی دربار شاه، «میرمحمدسعید» از سادات تبریز بود. در زرگرخانه شاه، زرگران و جواهرسازان اروپایی نیز مشغول به کار بودند (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۴۸۲). در این زمان با ورود ساعت‌های ظریف توسط اروپایی‌ها، ساعت‌سازی به دربار ایران وارد شدند که از میان آنها می‌توان به «رودلف اشتیدلر»^۱ اهل زوریخ اشاره کرد (همان، ۵۲۶).

۶. خزانه عامره

بخش مهم دیگری در دربار وجود داشت که در آن، قسمت دیگری از جواهرات پیاده، مرصع‌آلات، مسکوکات طلا و نقره نگهداری می‌شد. اصولاً ریاست این خزانه به یکی از خواجگان مورد اعتماد شاه سپرده می‌شد. گاهی خواجۀ مذکور ریاست حرم یا ریش‌سفیدی

حرم را نیز عهده‌دار بود. «خواجه محبت» و «آقا مشفق» از این دسته بودند (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۴۶).

در دوره شاه‌عباس دوم، بخشی از خزاین و جواهرات سلطنتی که در زندگی روزمره پادشاه مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، کماکان در قلعه طبرک نگهداری می‌شد. بخشی که مورد استفاده دربار بود، در عمارت سلطنتی قرار داشت و در سفرهای شاه با او همراه بود (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۳۸۳؛ دولبه دلد، ۲۵۳۵: ۵۲)؛ به همین دلیل هنگام درگذشت شاه‌عباس دوم، بخشی از جواهرات خزانه برای انجام مراسم جلوس پادشاه جدید، به سرعت از شمال ایران به پایتخت ارسال شد (شاردن، ۱۳۴۵: ۷۴/۹).

منابع دوره شاه‌عباس دوم در مقایسه با منابع دوره شاه‌صفی، اطلاعات کمتری درباره مسئولان خزانه و بیوتات سلطنتی ارائه می‌دهند. مسئله‌ای که در بیشتر منابع دوره شاه‌عباس دوم انعکاس یافته، دزدی و سرقت‌هایی است که در خزاین و بیوتات دربار رخ می‌داد. این گزارش‌ها شاید زنگ خطری برای تشدید فساد اداری در دربار بود. این اعمال مجرمانه، در مورد کسانی گفته می‌شد که باید به عنوان امنای اموال، دارای بالاترین درجه امانت‌داری بوده باشند. گویا این اتفاقات بعد از فوت محمدعلی بیگ ناظر معروف شاه‌عباس اول اتفاق افتاد. بعد از فوت وی، شاه‌عباس دوم محمدبیگ را منصوب کرد. در همین زمان، یکی از اولین گزارش‌ها درباره سرقت ظروف سلطنتی دربار شاه‌عباس دوم مطرح شد و اختلاف بین داروغه شهر با محمدبیگ را رقم زد که ریاست صنف زرگران را نیز عهده‌دار بود. داروغه دستور داده بود تمام زرگران شهر اصفهان را بدون اینکه از سرقت، اطلاع یا نقشی در آن داشته باشند، دستگیر کنند. پس از مدتی شاه‌عباس دوم محمدبیگ را به منصب ناظر کل دربار منصوب کرد. وی در این مدت توانسته بود لیاقت و کفایت خود را به شاه‌عباس دوم نشان دهد (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۴۱-۵۵۱؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۱۷۸/۷).

پس از او، صفی‌قلی بیگ به منصب ناظر بیوتات دست یافت. در این زمان، محمدعلی بیگ که مسئول جبه‌خانه بود و زیر نظر ناظر بیوتات فعالیت می‌کرد، به اختلاس حقوق کارکنان و خیانت در اموال پادشاه و سرقت آن متهم شد (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۶۰۹). پس از آن، شاه‌عباس دوم دستور داد جلسه‌ای برای رسیدگی به اتهامات محمدعلی بیگ جبادارباشی تشکیل شود. صفی‌قلی بیگ ناظر بیوتات و دیگر ارکان دولت، مسئولیت رسیدگی به این اتهامات را عهده‌دار شدند تا «صدق و کذب ربایندگی و خیانت وی را معروض گردانند». پس از اثبات اتهامات و مجرم شناخته شدن محمدعلی بیگ، وی از مقام خود برکنار و زندانی شد و مقام جبادارباشی و ریاست قورخانه^۱ که مخزن بخشی از جواهرات سلطنتی بود، به فردی به نام «زمان بیگ» داده

۱. در قورخانه بخشی از سلاح‌های مرصع به جواهر نیز نگهداری می‌شد.

شد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۳۹؛ اصفهانی، ۱۳۶۸: ۶۰۹).

دیری نگذشت که صفی‌قلی بیگ ناظر بیوتات نیز با اتهامات مالی مواجه شد. شاه‌عباس دوم به واسطه اینکه وی «...» به مقتضای حرص و آز و دل‌بستگی مشتبهات سرای مجاز، با متغلبه دست یکی داشت، در ضبط مالیات دیوانی و صرفه و غیظ که لازم‌مباشترین این امر جلیل‌الشأن بوده باشد، مبالغاتی که لازم باشد نمی‌نمود، تصمیم گرفت او را هم برکنار و مجازات کند؛ به همین دلیل ناظر بیوتات در قلعه کلات زندانی شد و تمام اموال وی نیز به نفع خزانه مصادره و منصب ناظر بیوتات به مقصودیگ سفره‌چی داده شد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۳۲۹)

در مطالب مربوط به دوران پادشاهان اولیه سلسله صفویه، اشاره‌هایی به «سی‌وسه کارخانه سلطنت» شد. این اشاره‌ها اثبات می‌کند که اساس تقسیمات و تنظیمات بیوتات سلطنتی در طول این سلسله، به‌طور کلی تغییرات عمده‌ای نداشته است. در دوره شاه‌سلیمان نیز بخشی از جواهرات سلطنتی - همان‌طور که در موارد گذشته مرسوم بود - به‌طور روزمره در زندگی پادشاهان صفوی مورد استفاده قرار می‌گرفت. شیوه نگهداری و تقسیم این اشیای گران‌بها در تقسیمات دربار، براساس کاربری این اشیاء صورت می‌گرفت، نه بر اساس جنس و ارزش آن؛ به همین دلیل این جواهرات و اشیای زرین و سیمین در قسمت‌های گوناگون درباری پخش و تحویل افراد گوناگون می‌شد. بیوتات پادشاهی با سی‌وسه کارخانه مزبور، مجموعه‌ای بود که در آن کارگاه‌های تولیدی و انبارهای پادشاهی قرار داشت که جواهرات سلطنتی محصول و دارایی بخشی از این کارگاه‌ها بود.

اهمیتی که پادشاهان صفوی برای حفظ اموال و خزاین قائل بودند، موجب شده بود تا تشکیلات نسبتاً منظمی ایجاد کنند و نظارت دقیق و صحیحی بر امور مربوط به کارگاه‌ها و خزاین دربار داشته باشند تا از بروز اموری نظیر فساد مالی و اختلاس جلوگیری کنند. مهم‌ترین مناصب گمارده شده بر این بخش‌ها عبارت بودند از:

۱. ناظر

«ناظر بیوتات» در رأس این تشکیلات قرار داشت. همه بخش‌های بیوتات سلطنتی و کارگاه‌های آن زیر نظر ناظر بود «و احدی از غلامان و ملازمان پادشاه بدون تعلیقه ناظر از کارخانجات چیزی [نمی‌برد] و عالیجاه ناظر بیوتات ریش سفید و صاحب‌اختیار کل سی‌وسه کارخانه بیوتات معموره و ریش سفید صاحب‌جمعان [...] بود» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۱۲). شاردن درباره منصب ناظر نوشته است: «ناظر اولین مأمور یا عامل مخصوص شاه و پیشکار کل امور مالی وی و اقتصاددان بزرگ خالصه و عواید و اموال منقول و غیرمنقول

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۱۱۳

پادشاه است؛ یعنی آنچه به خزانه شاه وارد یا از آن خارج می‌گردد» (شاردن، ۱۳۴۵، ۲۴۱/۸). از دیگر وظایف ناظر، سرپرستی امور داخلی دربار، کارخانجات و انبارهای پادشاهی، استخدام و پرداخت حقوق کارمندان و کارگران آن، رسیدگی به امور مالی دربار، نظارت بر اعطای خلعت‌های سلطنتی، امور بازرگانی و خرید و فروش‌های دربار و رسیدگی به امور سفرای خارجی بود (شاردن، ۱۳۴۵، ۲۴۱/۸، ۲۴۱؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۹۸-۹۹؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۹۸؛ نصیری، ۱۳۷۲: ۲۰-۲۲)

به فرمان ناظر، در آغاز هر سال «مشرف بیوتات» برآوردی از مخارج شش‌ماهه «سرکار خاصه شریفه» یعنی دستگاه سلطنتی پادشاه تهیه می‌کرد و سپس وزیر بیوتات آن را به اطلاع می‌رساند و پس از تأیید وی، برای اعتمادالدوله فرستاده می‌شد. سپس «[...] ناظر مهر می‌کرد که اخراجات شش‌ماهه بیوتات سرکار خاصه را مشرفان به فلان مبلغ برآورد نموده‌اند؛ مقرر دارند که مقرب‌الخاقان صاحب‌جمع خزانه باهره وجه برآورد را از نظر قبوض‌الواصل مهم‌سازی صاحب‌جمعان نماید [...]» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۹، ۱۰).

با توجه به اینکه تمام اموال منقول پادشاه زیر نظر ناظر نگهداری می‌شد، جواهرات سلطنتی نیز زیر نظر ناظر و مسئولان زیردست وی در بخش‌هایی که اشاره خواهد شد، نگهداری می‌شد. در جریان خرید جواهرات نیز مسئولیت اصلی با ناظر بود و دو درصد از مبلغ جواهرات فروخته شده به دربار، به ناظر تعلق می‌گرفت. این حق حساب حتی شامل هدایای پیشکش شده به پادشاه هم می‌شد^۱ (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۵۲/۸).

۲. وزیر بیوتات

پادشاه برای تسهیل کارهای ناظر و نظارت بر اقداماتش، افرادی را به عنوان زیردستان وی تعیین می‌کرد. این افراد شامل وزیر بیوتات، ارباب‌التحاویل، مشرفان و صاحب‌جمعان بود که در نگهداری جواهرات سلطنتی به ناظر کمک می‌کردند. وزیر بیوتات موظف بود هر روزه حساب‌های روزانه بیوتات را ملاحظه و ثبت و ضبط کند و پس از تأیید، به ناظر بیوتات اطلاع دهد. به عبارت دیگر، وزیر بیوتات وظیفه هماهنگی و سرپرستی حسابرسی امور حسابداری را که مشرفان بیوتات مربوطه انجام می‌دادند، برعهده داشت (نصیری، ۱۳۷۲: ۶۵؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۱۰۷؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵، ۲۷۴: ۲۷۳؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۴، ۳۵).

۱. از ناظران دوران شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان‌حسین صفوی می‌توان به افرادی چون نجف‌قلی بیگ، موسی‌خان، صفی‌قلی بیگ، محمودآقا، رجبعلی بیگ الله‌وردی خان و محمدحسین بیگ اشاره کرد. مواجی که ناظران از دربار دریافت می‌کردند، از ششصد تا هزاروپانصد تومان ثبت شده است (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

۳. اربابالتحاویل

همان‌طور که از عنوان این منصب پیداست، مسئولیت نگهداری حساب نقدی و جنسی و مواد اولیه، به تحویلداران خاصه شریفه سپرده می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۷۵، ۲۷۴؛ نصیری، ۱۳۷۲: ۶۱، ۶۲). نویسنده تذکره الملوک در بیان وظایف مستوفی اربابالتحاویل نوشته است: «شغلش آنست که آنچه بهر جهت از جهات نقد و طلاآلات و مرصع‌آلات و نقره‌آلات و سمور و اقمشه و ملبوس و شتر و دواب و اجناس که تحویل صاحب‌جمعان شود، سررشته منقحی در آن باب در دست دارد که مال دیوان از میان نرود و ماه به ماه روزنامجات را از مشرفان گرفته، به طرح سررشته اربابالتحاویل [ویل] محاسبه بر صاحب‌جمعان نوشته، باقی و فاضل هر یک را موافق قانون حساب مشخص نماید، بدون مهر ناظر چیزی به خرج احدی ننویسد» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۵).

۴. مشرفان

مشرفان بیوتات نیز تحت نظارت ناظر بودند و او را در اداره امور بیوتات سلطنتی یاری می‌کردند. هر یک از بیوتات سلطنتی که کارگاه‌های تولیدی و یا انبارها و خزانه‌های پادشاه را شامل می‌شد، دارای یک مشرف بود که در نقش بازرس امور اداری عمل می‌کرد. وی موظف بود به صورت روزانه حساب و کتاب‌های کارگاه و یا انباری را که در آن حضور داشت، از صاحب‌جمع آنجا دریافت و ثبت کند. اگر صاحب‌جمع در تحویل این اسناد تعلل می‌ورزید، مشرف موظف بود فوراً جریان را به ناظر اطلاع دهد. آنها مراقب بودند که در اسناد قسمت مربوطه، سایر اشخاص دخل و تصرفی نکنند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۵؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۶۲، ۶۳؛ نصیری، ۱۳۷۲: ۶۸، ۶۹).

۵. صاحب‌جمع

«صاحب‌جمع» مسئول دیگری بود که به عنوان رئیس اصلی هر یک از بخش‌های سی‌وسه‌گانه (تحت نظارت ناظر) مشغول به کار بود و رسیدگی به امور کارگران و تولیدات آنان را برعهده داشت. شاردن مطالب ارزشمندی درباره حقوق و مزایا و چگونگی پرداخت و تسهیلاتی که در این کارگاه‌ها به کارگران داده می‌شد، آورده است (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۰۷/۱-۱۰۵؛ همان، ۳۶۳/۸، ۳۶۴). وی هزینه سی‌ودو بخش بیوتات سلطنتی را در یک جا پنج میلیون (تومان ظاهراً) (همان، ۱۰۴/۷) و در جای دیگر چهار میلیون ارزیابی کرده است (همان، ۳۶۲/۸).

در ادامه، به بیوتات و کارگاه‌ها و انبارهای آن پرداخته می‌شود. همان‌طور که در سطور قبل گفته شد، جواهرات سلطنتی پادشاه به این دلیل که به صورت روزانه در دربار مورد استفاده قرار می‌گرفت، براساس نوع کاربری آن، به صاحب‌جمعان و امنای اموال هر بخش تحویل داده

می‌شد. بر این اساس، در این تقسیمات، کاربری جواهرات مبنای طبقه‌بندی آنها بود نه جنس آن. زرینه‌آلات و مرصع‌آلات سلطنتی در تقسیمات بیوتات سلطنتی برحسب کاربری آنها، به بخش‌های زیر تحویل داده می‌شد:

۱. شیرخانه

محل نگهداری شراب‌های دربار بود. ریاست این قسمت بر عهده «شرابچی‌باشی» بود که دارای لقب «مقرب الحضرت» نیز بود (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۷۶؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۷؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۸؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۷۰). شیرخانه در محوطه مجموعه قصرهای سلطنتی و نزدیک تالار طویله قرار داشت. برای پنهان نگه داشتن این ساختمان، آن را در باغی بنا می‌کردند و اطراف باغ را با دیوارهایی محصور می‌کردند. خود بنا، تالاری به ارتفاع شش تا هفت^۱ تراز و ارتفاع دو^۲ پا از سطح زمین بود. این تالار دارای یک گنبد و دو شاه‌نشین بود. در میانه تالار حوض آب بزرگی با لبه‌هایی از سنگ سماق قرار گرفته بود. ازاره‌های^۳ تالار هم تا ارتفاع هشت^۴ پایی از سنگ یشم پوشیده شده بود. باشکوه‌ترین بخش تالار، ظروف مرصع و جواهرنشانی بود که در طاقچه‌های مقرنس‌کاری شده و آراسته به هزارگونه طرح و رنگ قرار داشت. شاردن در توصیف این ظروف نوشته است: «هیچ چیز خندان‌تر و خوش‌منظرتر از این ظرف‌های بی‌شمار، جام‌ها و تنگ‌های شراب نیست که همه‌گونه و هر شکل، خواه از حیث طرح و خواه از جهت جنس، از بلور، سنگ سلیمانی، عقیق، عقیق یمانی، یشم، کهربا، مرجان، چینی، احجار نفیس، طلا و نقره و جز آنها با یکدیگر درآمیخته‌اند و چنان می‌نمایند که بر روی دیوارها خاتم‌کاری شده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که در وضعی مشرف به سقوط از رواق می‌باشند» (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۵۰/۷، ۱۵۱). همچنین در بخش‌های دیگر این قسمت ظروف دیگری مانند جام، زیرجامی، بشقاب، سینی، سطل، کوزه آب، بطری، تفدان، جام‌های هزارپیشه و قاشق‌های مخصوص شرب شراب نگهداری می‌شد. تمام این ظروف از زر ناب و برخی از آنها مرصع به جواهرات و مرواریدهای گران‌بها بود. شاردن به دوازده ملاقه زرین به طول یک‌پا^۵ اشاره کرده است که دسته‌هایشان مزین به یاقوت و یک قطعه الماس شش‌قیراطی بود. وی قیمت آنها را شش هزار اکو برآورد کرده و از دیدن این مجموعه گران‌بها حیرت‌زده شده و

۱. معادل ۱۵/۵۲ متر.

۲. معادل ۰/۶۴ متر.

۳. بخش پایینی دیوار که معمولاً برای استحکام بیشتر، ستونی از سنگ و کاشی دارد؛ پیش‌آمدگی سراسری پایین دیوار (صحراپیما و عقیقی، ۱۳۹۳: ۲۶).

۴. معادل ۲۰/۵۶ متر.

۵. معادل ۰/۳۲۴۸ متر.

نوشته است: «[...] کلیه ظروف آلات [شیره خانه] عتیقه است، به طوری که انسان تا به رأی العین آنها را مشاهده نکند، غیرممکن است تعریف و توصیفی را که می شنود، مطابق واقع و حقیقت بینگارد». او در ادامه گفته است بارها برای به دست آوردن قیمت دقیق این مجموعه از روی دفاتر ثبت مجموعه که تمام خصوصیات این نفایس به دقت کامل در آن ثبت شده بود، تلاش کرده است. به واسطه حجم بالای نفایس این مجموعه، او تنها به این جواب رسیده بود که: «مبالغ سنگینی صرف شده است، تعداد و شماره ندارد!». شاردن ارزش تعداد این مجموعه را به نقل از آبدارباشی شاه، چهارهزار قطعه ظروف آلات مرصع و جواهرنشان ثبت کرده و ارزش آنها را چندین میلیون برآورد کرده است (شاردن، ۱۳۳۶: ۲۸۸/۳-۲۹۰).

۲. آبدارخانه

در آبدارخانه آب آشامیدنی پادشاه در ظروف سر به مهر نگهداری می شد، بنابراین در انتخاب آبدارباشی (رئیس آبدارخانه) دقت بسیار می شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۷؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۹). اسباب آبدارخانه از قبیل «[...] طلا آلات و نقره... مطهره و حسینی و جوال یخ کشی و اسباب یخچال ها و دولچه تحویل [...]» آبدارباشی بود (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۲).

۳. قهوه خانه

در این بخش از بیوتات، قهوه چینی باشی ضمن تهیه قهوه دربار، مسئول نگهداری «[...] قهوه دان های طلا و نقره و مس و نقره و قهوه بریان کن و پیاله و سینی ها» بود (همان، ۳۳).

۴. شربت خانه

«شربت دارباشی» رئیس این قسمت از بیوتات سلطنتی، بر کار تهیه شربت نظارت می کرد و «[...] ظروف طلا و نقره و چینی و کاشی [...] قهوه و تنباکو و شیشه و سر و نی و غیره اسباب قلیان [...]» تحویل مشارالیه بود (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۳). قلیان های دربار صفوی از گران بهاترین وسایل دربار بود که به زیبایی با جواهرات تزیین شده بودند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۶؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۹).

۵. میوه خانه

این بخش (همچنان که از نامش پیداست) انبار نگهداری میوه ها و ظروف میوه خوری طلا و نقره بود. رئیس این بخش «میشیچی باشی» نام داشت (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۱؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۸۳).

۶. رکاب خانه

«رکاب خانه» به ریاست مهتر که پیش از این در مورد آن صحبت شد، اداره می شد. مهتر معمولاً یکی از خواجه های سفیدپوست بود و چنان که گفته شد، همیشه در مجالس پادشاه، یک

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۱۱۷

«قابلق»^۱ مرصع حاوی دستمال‌ها و عطریات و حب‌های تقویت‌کننده مخصوص پادشاه را حمل می‌کرد. وی مسئول نگهداری لباس‌های پادشاه و جواهراتی بود که توسط شخص پادشاه مورد استفاده قرار می‌گرفت. برای نمونه، «پشتی مخصوص خاصه» و مفرش‌های سلاطین که بالش‌های مخصوص جواهردوزی شده بود و بر روی مسند پادشاه مورد استفاده قرار می‌گرفت، به او تحویل داده می‌شد. «آغا کافور» از مهتران شاه‌سلیمان بود که در دوره سه پادشاه خدمت کرد. فردی به نام «مطهر» نیز مهتر زمان شاه‌سلطان‌حسین بود (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۶۴/۸، ۲۶۵؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۰۱؛ جملی‌کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۴؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۲).

۷. زینخانه

زین‌دارباشی مسئول نگهداری و نظارت بر ساخت زین و یراق‌های زرین و جواهرنشان و دیگر وسایل جانبی آنها بود (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۷۵؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۲۵۶/۸؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۹؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۹؛ رستم‌الحکما، ۱۳۸۰: ۷۸).

۸. شیرخانه

در این قسمت از بیوتات سلطنتی، حیوانات وحشی نظیر شیر و پلنگ همراه با قلاده‌ها و زنجیرهای زرین و مرصع و سایر متعلقات آنها نگهداری می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۳).

۹. مشعل‌خانه

«مشعل‌دارباشی» که ریاست مشعل‌خانه را برعهده داشت، مسئول نگهداری و مراقبت از شمعدان‌ها، چراغ‌ها و فانوس‌های زرین و سیمین دربار بود. کمپفر علاوه بر این مکان، از چراغ‌خانه نیز نام برده است که در تذکره‌الملوک و دستورالملوک نامی از آن به میان نیامده است. بخشی از عواید مشعل‌دارباشی، از طریق جریمه‌ای بود که از قماربازان و نظارتی که وی بر اماکن فسق و فجور و روسپیان اعمال می‌کرد، تأمین می‌شد (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۷۷؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۲۵۹، ۲۵۸/۸؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۸؛ جملی‌کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۶؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۲؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵).

۱۰. چینی‌خانه

«ایاغخانه» یا چینی‌خانه مکانی بود که برخلاف نامش، ظروف طلا و نقره نیز در آن نگهداری می‌شد. رئیس آن «ایاغچی‌باشی» همراه با ایاغچی‌ها یا چینی‌کش‌ها در این قسمت از بیوتات مشغول کار بودند (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۶۳/۷؛ همان، ۳۴۷/۸؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۶۳؛ رستم‌الحکما، ۱۳۸۰: ۸۹). کمپفر در بیان چینی‌خانه، ارزش ظروف طلای دربار ایران را ده میلیون

۱. کیسه یا جعبه کوچک زرین مرصع به شکل قایق که در آن دستمال، عطر و ادویه مقوی می‌گذاشتند.

۲. ایاغ به پیاله و کاسه‌ای می‌گفتند که با آن شراب می‌خوردند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۰: ۸۹).

سکه طلا برآورد کرده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۹). در کتاب دستور الملوک به منصبی با عنوان تحویلدار غزقان (دیگ) اشاره شده است که یکی از وظایف وی، تحویل‌داری اشیائی نظیر غزقان و تابه و پاتیلچه نقره [...] و سیخ‌های طلا و نقره‌ای بود. وی در سفر و حضر، این وسایل را در اختیار داشت و از آنها نگهداری می‌کرد. اگر این ظروف مفقود می‌شدند، موظف بود غرامت آن را پرداخت کند (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

۱۱. جبه‌خانه

«جبه‌خانه» اسلحه‌خانه‌ای بود که در آن تسلیحات گوناگون تولید و نگهداری می‌شد. بخشی از این جنگ‌افزارها شامل «آلات و ادوات حرب مکمل به جواهر» بود. «جبادارباشی» ریاست قورخانه را برعهده داشت. قبل از شاه سلیمان و شاه سلطان حسین، ریاست جبه‌خانه با مقربان قزلباش بود، اما در زمان این دو پادشاه این منصب به خواجه‌های سفید داده شد. کسانی چون «محمودآقا» و «اسمعیل آقا» از این دسته بودند. جبه‌خانه‌ها و سایر قلاع که در آن قورخانه شاهی قرار داشت، نیز زیر نظر جبه‌دارباشی اداره می‌شد. زره‌سازباشی، تیرگرباشی و چلانگرباشی از زیردستان جبه‌دارباشی به شمار می‌آمدند (همان، ۲۱۲؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۲۹؛ رستم الحکما، ۱۳۸۰: ۷۷، ۸۸).

قلعه طبرک که از آن با عناوین «ناظرخانه» و «مخزن حفاظ» یاد می‌شد، یکی از مهم‌ترین قلعه‌هایی بود که در آن جنگ‌افزارهای مرصع نگهداری می‌شد. در این قلعه، علاوه بر جنگ‌افزارهای ساده و مرصع، بخشی از زرینه‌آلات و مرصع‌آلات که مازاد بر استفاده بیوتات سلطنتی بود و همچنین هدایایی که از آنها استفاده نمی‌شد، نگهداری می‌شد (جملی کارری، ۱۳۴۸: ۸۴، ۸۵). هدایایی که در این قلعه انبار می‌شدند، شامل آینه‌های مرصع، چهل چراغ‌ها، تابلوها، دوربین‌ها، ساعت‌ها و این‌گونه اشیاء بود. این هدایا از طرف کشورهای خارجی به دربار ایران تقدیم می‌شد، اما چون مورد استفاده دربار قرار نمی‌گرفت، در زیر گرد و غبار داخل این قلعه انبار می‌شد. از لحاظ امنیتی، ورود به این دژ تابع مقررات شدیدی بود و تنها با عنایت خاص شاهانه امکان ورود به آنجا فراهم می‌شد. برای بازگشایی درب دژ، به سه کلید نیاز بود. هر سه کلید در دست ناظر، وزیر شهر و فرمانده جبه‌خانه کوچک قرار داشت. برای اطمینان بیشتر هر سه نفر، در خزانه را نیز مهر و موم می‌کردند (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۶۷/۷-۲۷۰).

خزانه قلعه طبرک به سه مخزن بزرگ تقسیم شده بود. در مخزن نخست، تسلیحات بی‌شماری انبار شده بود که بخشی از آنها زرکوب و سیم‌اندود و مکمل به جواهرات گران‌بها بودند. در این مخزن، بخشی از هدایایی که توسط پادشاهان خارجی به شاه هدیه داده می‌شد و

در دربار کاربری نداشتند، نگهداری می‌شد. در اتاق‌های این مخزن، فیروزه‌های دربار نیز نگهداری می‌شد. در مخزن‌های دیگر علاوه بر جنگ‌افزارهای گران‌بها، آینه‌های بلند زرین و مرصع به جواهرات وجود داشت. در این مخزن، گنجه‌هایی قرار داشت که در آنها قطعاتی نظیر زنجیرهای زرین و دست‌بند‌های جواهرنشان نگهداری می‌شد. در اتاق‌های دیگر این مخزن، بخشی به ظروف زرین و جواهرنشان اختصاص یافته بود. در این قسمت‌ها توده‌های عظیمی از ظروف زرین مرصع، مانند بشقاب، سرپوش، سطل و دیگرهای بسیار سنگین انبار شده بود. اشیای مذکور به جز آنهایی که در کارخانه‌های پادشاه ساخته می‌شدند، دارای برچسب الصاقی بودند که در آن، نام هدیه دهنده و تاریخ و قیمت آن را ثبت می‌شدند (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۷۱/۷).

شاردن دو بار موفق شد از خزانه دیدار کند. در این دیدار که به مناسبت ورود شاه‌سلیمان و حرم وی صورت پذیرفت، توانست اشیای نفیس‌تری را ببیند. وی به عنوان یک اهل فن و کارشناس خیره، آنچنان مجذوب این مجموعه شد که به زحمت می‌توانست مشاهدات خود را ثبت کند: «[...] همه‌گونه ظروف بهر ظرفیتی وجود دارد، مجموعه‌های اشیاء نادره کلیه نقاط جهان که اگر به رأی‌العین مشاهده نمی‌کردم، هیچ‌گاه نمی‌توانستم باور نمایم که آن‌قدر جواهرات و ثروت در آنجا وجود دارد». ناظر به وی گفته بود اگر بتوانی تمام صندوق‌ها را یک‌یک ببینی، در جای خود خشک خواهی شد! ناظر همچنین در پاسخ به پرسش شاردن در مورد ارزش مجموعه جواب داده بود: «حساب هر قطعه پیش ما مضبوط است، ولی هرگز در اندیشه تعیین ارزش تمام گنجینه نیستند!». خود شاردن هم از انجام چنین کاری، ابراز ناتوانی کرد و نوشت: «[...] فقط می‌توانم بگویم که این گنجینه بسی هزارها هزار پیستول بها دارد. با ارزش طلا و جواهر من به قدر کافی آشنایی دارم، لذا استنتاج حاصله ناراست نخواهد بود. من اعتراف می‌کنم که گوهری ندیدم که پانصد پیستول ارزش داشته باشد، ولی کمیت جواهرات لاتعدو و لاتحصی است» (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۶۸/۷-۲۹۹؛ همو، ۱۳۳۶: ۲۷۱/۳ و ۲۰۹/۴).

درباره اظهار نظر شاردن در مورد کیفیت و ارزش گوهرهای موجود در قلعه طبرک، باید گفت همان‌طور که در سطور قبل گفته شد، در این قلعه جواهراتی نگهداری می‌شد که مازاد بر استفاده دربار بود. در صورتی که سنگ‌های درشت‌تر و اعلی‌تر جواهرات سلطنتی ایران، در خزانه دیگری به نام «خزانه عامره» نگهداری می‌شد.

۱۲. خزانه عامره

خزانه عامره در فضایی به وسعت چهل گام مربع و شامل چندین اتاق، در کنار حرم‌سرای پادشاه قرار گرفته بود و بخش بزرگی از جواهرات به صورت پیاده، سواره و کارشده، با نقود و

مسکوکات دربار در آن نگهداری می‌شد. این خزانه نیز مانند سایر بخش‌های بیوتات، زیر نظر ناظر قرار داشت، اما حتی وی نیز اجازه ورود به بخش‌های داخلی آن را نداشت. صاحب‌جمع این خزانه، از خواجگان سیاه‌پوست و معتبر حرم بود که در بعضی موارد ریاست اداره امور حرم را نیز عهده‌دار می‌شد. صاحب‌جمع مزبور نه تنها مسئولیت نگهداری از جوه و اشیائی را برعهده داشت که به خزانه سپرده شده بود، بلکه وظیفه اعاده و تحصیل مطالباتی را برعهده داشت که موعد وصول آنها رسیده بود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۶۰؛ جملی‌کارری، ۱۳۴۸: ۷۹، ۸۰؛ میرزا سمیع، ۱۳۷۸: ۲۹، ۲۸). در این خزانه «[...] آنچه انفس اجناس... بود، خواه از جواهر و اقمشه نفیسه و زربفت و سمور و خواه از سایر اجناس باشد، به تحویل صاحب‌جمع خزانه عامره مقرر می‌شد [...]» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۱۴، ۲۱۳).

شاردن که جواهرات این خزانه را دیده بود، از گوهرهای رنگین و الماس‌های پنجاه تا صد قیراطی و رشته‌های مروارید به طول نیم^۱ اون (تاون مساوی با ذرع) تا سه ربع اون که وزن هر دانه آنها بیشتر از ده تا پانزده قیراط بود، سخن گفته است (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۶۶/۳). یکی از این جواهرات، یاقوت بسیار خوش‌رنگ و ممتاز به اندازه نصف تخم مرغ بود که بر بالای آن نام شیخ صفی را حک کرده بودند. در قسمت دیگر این خزانه، کیسه‌هایی مملو از مسکوکات قرار داشت. هر کیسه حاوی پنجاه^۲ تومان بود. شاردن تعداد این کیسه‌ها را سه‌هزار کیسه برآورد کرده بود. همچنین در خزانه عامره، صندوق‌هایی وجود داشت که حتی آگاکافور خزانه‌دار خشن شاه‌سلیمان نیز حق بازکردن آنها را نداشت و مهور به مهری بود که شاه به گردن خود آویخته بود. در مورد میزان ارزش این خزانه نیز همان پاسخ‌های قبلی به شاردن داده شد: «ثروت کلانی است. تنها خدا حساب آن را می‌داند. هیچ کس مایل نیست به خودش زحمت بدهد و صورت کامل آن را بداند. این ثروت حساب ندارد» (شاردن، ۱۳۴۵: ۳۰۸/۸-۳۱۰). البته این نکته باید افزوده شود که تمام خزاین صفویه در پایتخت نگهداری نمی‌شد. شاردن از غارت «خزاین نفیسی، [...] از چینی و ظروف چینی و قدح‌های عقیق یمانی و مرجان و کهربا و سایر سنگ‌های نفیسی [...]» سخن گفته است که در جریان حمله قزاق‌ها به قصر سلطنتی «جهان‌نما» در فرح‌آباد، در زمان شاه‌سلیمان چپاول شده بودند (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۱۲/۹). در پایان لازم است به دو بخش از کارگاه‌ها یا کارخانجات بیوتات سلطنتی اشاره شود که در ساخت جواهرات سلطنتی نقش داشتند.

۱. ذراع (Aune) ۱/۱۱۸ متر است (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۶۶/۳).

۲. معادل ۷۵۰ اکو پول فرانسه.

۱۳. زرگرخانه

همه طلا و جواهرات و ظروف مرصع دربار و حرم پادشاه، توسط رئیس زرگرخانه (زرگرباشی) از طلا و جواهراتی ساخته می‌شد که به وی تحویل داده می‌شد. زرگرباشی بر تمام زرگران و جواهرفروشان پایتخت نظارت داشت و از هر معامله که در دربار می‌شد، دو درصد و از معاملات درون پایتخت یک درصد سود می‌گرفت. البته با توجه به اینکه زرگران و جواهرفروشان پایتخت سعی می‌کردند معاملات خود را مخفی نگاه دارند، سود اصلی زرگرباشی از پنج درصد مالیاتی که بابت عوارض خروج طلا و نقره از کشور به وی می‌دادند، تأمین می‌شد و با توجه به حجم بالای تجارت و ورود و خروج زر و سیم از کشور، این مبلغ قابل توجه بود. زرگرخانه شاه سلیمان در دو عمارت محمد مهدی صدراعظم شاه عباس ثانی و عمارت شاه طهماسب در مسیر کاخ شاهی قرار گرفته بود. در این کارگاه‌ها زرگران فرانسوی نیز در ساخت جواهرات با زرگران ایرانی همکاری می‌کردند. از زرگران فرانسوی زرگرخانه شاه سلطان حسین می‌توان به «ژورد»^۱ جواهرساز پادشاه اشاره کرد (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۳۸). بعضی از این زرگران علاوه بر گرفتن حقوق که گاه تا ۲۵۰۰ لیور هم می‌رسید، آذوقه نیز دریافت می‌کردند. این حقوق حتی زمانی که شاه کاری به آنها واگذار نمی‌کرد، برقرار بود. این کارگران مانند سایر عملجات کارخانه‌ها و بیوتات پادشاهی، در مسافرت‌های پادشاه نیز وی را همراهی می‌کردند. به هنگام مسافرت دربار، شترهایی برای حمل اثاثیه این کارخانه‌ها اختصاص داده می‌شد. آنهایی که اقامت در خانه را بر مسافرت همراه با دربار ترجیح می‌دادند، به آسانی اجازه مرخصی می‌گرفتند (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۷۸؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۰۶/۷ و ۸/۲۴۹، ۲۴۸؛ همو، ۱۳۳۶: ۱۱۹/۳؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۹۳؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۱؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۸۲؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۷۱).

از سایر افراد زرگرخانه، می‌توان به میناسازباشی، حکاک‌باشی و ساعت‌سازباشی اشاره کرد (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۸۸۸۹).

۱۴. مسگرخانه

مسگرخانه بخش دیگری از بیوتات سلطنتی بود که کارگران آن زیر نظر ناظر و صاحب‌جمع مربوطه، به ساخت ظروف زرین و سیمین و مسین دربار مشغول بودند. این ظروف ساده بودند و ترصیع نمی‌شدند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۱؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۸۲؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۷۱).

نتیجه گیری

در دوره صفویه، مجموعه ارزشمندی از جواهرات گران بها در خزاین پادشاهان جمع آوری می شد. حجم عظیم این نفایس و کاربری های ویژه در مراسم و موقعیت های خاص دربار صفویه و ضرورت حفظ این آثار، از عوامل مؤثر بر ایجاد و تکامل تشکیلات سازمانی گسترده و مناصب مرتبط با آن در تشکیلات دربار صفوی با عنوان مجموعه بیوتات سلطنتی بود. تشکیلاتی که به نظر می رسد پایه های اولیه آن ریشه در تشکیلات دیوانی سلسله های پیشین داشت. با وجود اطلاعات ارزشمندی که منابع درباره خزاین و جواهرات پادشاهان صفویه ارائه می دهند، گزارش های منابع متقدم صفویه - از دوره شاه اسماعیل اول تا زمان شاه صفی - اطلاعات روشن و واضحی درباره تشکیلات سازمانی جواهرات سلطنتی ارائه نمی دهند و تنها با عبارات کلی و مختصر نظیر «سی و سه عدد کارخانجات شاهی»، از وجود چنین تشکیلاتی که بخشی از جواهرات سلطنتی را در برمی گرفته، آگاهی می یابیم. در موارد معدودی، در برخی از اسناد این دوران نظیر اسناد موجود در آرشیو کاخ توپقاپی سرای، اطلاعات بیشتری درباره مناصب و تشکیلات جواهرات سلطنتی به دست می آید. از دوره شاه صفی به بعد، از لابه لای اطلاعاتی که منابع این دوره برای معرفی بزرگان دربار ارائه می دهند، می توان به برخی از مناصب و تشکیلات جواهرات سلطنتی دست یافت. از این دوران به بعد، علاوه بر منابع داخلی، سیاحان اروپایی نیز اطلاعات ارزشمندی درباره تشکیلات و مناصب مرتبط با جواهرات سلطنتی ارائه می دهند. بیشتر اطلاعات به دست آمده، مربوط به دوره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است که در منابعی چون تذکره الملوک و دستور الملوک انعکاس یافته است. با بررسی این منابع مشخص می شود که همه جواهرات سلطنتی موجود در دربار، اعم از آن اقلامی که در کارگاه های بیوتات دربار ساخته و پرداخته می شدند و آنهایی که به صورت ساخته شده تحویل دربار می شد، دارای صورت های دقیق و منظمی بودند. جواهرات موجود در دربار، براساس کاربری آنها به قسمت های مختلف دربار تخصیص می یافت و به مأموران و امنای بخش ها تحویل داده می شد. مازاد آن و یا جواهراتی که مورد استفاده نبود، داخل خزانه اصلی دربار بود که این خزانه تحت نظارت تعدادی از امانا و معتمدان شاه محافظت می شد. تهیه و ساخت جواهرات سلطنتی در کارگاه های بیوتات نیز تابع قوانین و مقررات مشخصی بود. مسئولیت نگهداری و حسابرسی آنها بر عهده ناظر بیوتات بود، اما نظر به اهمیت و حساسیت این بخش، مناصب دیگری نظیر وزیر بیوتات، ارباب تحویل، مشرف بیوتات و صاحب جمع نیز ناظر را یاری می کردند. به عبارت دیگر، به نوعی عملکرد ناظر را تحت نظر می گرفتند و به شاه گزارش می دادند.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج ۸، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی (۱۳۶۸)، *خلاصه السیر*، تهران: انتشارات علمی.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی، تصحیح، تعلیق، توضیح و اضافات* محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه احمد بهپور، [بی جا]: ابتکار.
- بدلیسی، شرف خان بن شمس الدین (۱۳۷۷)، *شرفنامه*، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، ج ۱، تهران: اساطیر.
- بریان، پی یر (۱۳۷۷)، *تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کوروش تا اسکندر)*، ترجمه مهدی سمسار، ج ۱، تهران: زریاب.
- تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۶۹)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: انتشارات کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید.
- جملی کارری، جوانی فرانچسکو (۱۳۴۸)، *سفرنامه*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، [بی جا]: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل.
- حسینی استرآبادی، میرحسین بن مرتضی (۱۳۶۴)، *تاریخ سلطانی (از شیخ صفی تا شاه صفی)*، به کوشش احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی.
- خواندمیر، امیر محمود (۱۳۷۰)، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی (ذیل حبیب السیر)*، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران: نشر گستره.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۴، تهران: خیام.
- دولیه دلند، آندره (۲۵۳۵)، *زیبایی های ایران*، ترجمه محسن صبا، تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- رستم الحکما، محمد هاشم آصف (۱۳۸۰)، *رستم التواریخ*، به اهتمام عزیزالله عزیززاده، تهران: فردوسی.
- خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان (۱۳۸۲)، *عالم آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- سانسون، مارتین (۱۳۴۶)، *سفرنامه*، ترجمه تقی تفضلی، تهران: چاپخانه زیبا.
- شاردن، جان (۱۳۳۶)، *سفرنامه*، ترجمه محمد عباسی، ج ۳ و ۴، تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۴۵)، *سفرنامه*، ترجمه محمد عباسی، ج ۷، ۸، ۹، تهران: امیرکبیر.
- صحراپیما، ندا و فائزه عقیقی (۱۳۹۳)، *اصطلاحنامه صنایع دستی و هنرهای سنتی (معماری)*، تهران: بنیاد ایرانشناسی.
- صحراپیما، ندا (۱۳۹۴)، *اصطلاحنامه صنایع دستی و هنرهای سنتی (نساجی و پوشاک)*، تهران: بنیاد ایرانشناسی.

۱۲۴ / تشکیلات اداری جواهرات سلطنتی در دوره صفویه / سید مسعود سید بنکدار

- فلسفی، نصرالله (۱۳۳۲)، «جنگ چالدران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال اول، شماره دوم.
- (۱۳۴۴)، زندگانی شاه عباس اول، ج ۲ و ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- فیگوئروا، دن گارسیا (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمعی، تهران: نشر نو.
- قائمی محمد (۱۳۴۹)، هخامنشیان در تورات، اصفهان: انتشارات تأیید.
- قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین (۱۳۸۳)، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، تهران: اساطیر.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- گنج، وورال (تابستان ۱۳۹۰)، «از کاخ هشت‌بهشت تا کاخ توپ‌قاپی: سیاهه اشیاء و اموال غارت شده شاه‌اسماعیل پس از چالدران»، ترجمه اسراء دوغان و رسول جعفریان، پیام بهارستان، دوره دوم، سال سوم، شماره ۱۲.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳)، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجهول‌المؤلف، (۱۳۸۴)، عالم‌آرای شاه اسماعیل، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- مجهول‌المؤلف (۱۳۷۰)، عالم‌آرای شاه طهماسب، به کوشش ایرج افشار، [بی‌جا]: دنیای کتاب.
- مجهول‌المؤلف (۱۳۵۰)، عالم‌آرای صفوی، به کوشش یدالله شکر، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مجهول‌المؤلف (۱۳۷۸)، تاریخ‌نامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، تحقیق محمد روشن، ج ۱ و ۲، تهران: سروش.
- مجهول‌المؤلف (۱۳۷۳)، تاریخ‌نامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، تحقیق محمد روشن، ج ۳، ۴، ۵، تهران: البرز.
- مستوفی، محمدمحسن (۱۳۷۵)، زیله التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۹)، تجارب‌الأمم، ترجمه ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران: سروش.
- ملکزاده، فرخ (۱۳۵۰)، «ظرف منسوب به شاه‌اسماعیل صفوی در موزه توپ‌قاپوسرای استانبول»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۳۴، صص ۹۳-۱۱۰.
- منشی ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- منجم، ملا جلال‌الدین (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید.

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۳، پاییز ۹۸ / ۱۲۵

- میرزا رفیعا (۱۳۸۵)، *دستور الملوک*، به کوشش و تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- میرزا سمیعا (۱۳۷۸)، *تذکره الملوک*، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.
- میرجعفری، حسین و سید مسعود سید بنکدار (تابستان ۱۳۸۷)، «زرگری و جواهرسازی در عصر صفوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۵۳، صص ۱-۱۶.
- میرجعفری، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۷۸)، «قلعه قهقهه و اهمیت آن در عصر صفویه»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۱-۱۸.
- مینورسکی، ولادیمیر (۲۵۳۶)، *تاریخچه نادرشاه*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: کتاب‌های سیمرغ.
- نژد نجفیان، محمدمین و محمدرضا مهدوی عباس‌آباد (تابستان ۱۳۸۹)، «منصب بیوتات در دوره صفویه»، *مجله پژوهش‌های تاریخی*، شماره دوم (پیاپی ۶)، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- نصیری، محمدابراهیم‌بن زین‌العابدین (۱۳۷۳)، *دستور شهریاران*، به کوشش محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- نصیری، میرزا علینقی (۱۳۷۲)، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، تصحیح یوسف رحیم‌پور، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۲)، *نخلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم)*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹)، *عباس‌نامه*، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داوودی.

- Genc,Vural (2015) "From Tabriz to Istanbul: Goods and Treasures of SHAH ISMAIL Looted After the Battle of CHALDIRAN", *Studia Iranica*, pp227-276.

List of sources with English handwriting

- 'alam Ārāy Shāh Ismā'īl, 2005, Taṣḥīḥi Aṣghar Muntazir Šāhib, Tihrān, Intishārāti 'ilmī Farhangī.
- 'alam Ārāy Šafawī, 1971: bih Kūshishi Yadullāh Shukrī, Intishārāti Bunyādi Farhangi Īrān.
- 'alam Ārāy Shāh Ṭahmāsb, 1991, bih Kūshishi Īraj Afshār, Dunyāyi Kitāb, Bījā.
- Amīnī Hirawī, Amīr Šadr al-Dīn Ibrāhīm, 2004, **Futūḥāti Shāhī**, Taṣḥīḥ wa Ta'liq wa Tuwḏīḥ wa Iḏāfāti Muḥammad Riḏā Naṣrī, Tihrān, Anjumani Āthār wa Mafākhirī Farhangī.
- Bidlīsī, Sharaf Khān Ibn Shams al-Dīn, 1998, **Sharafnāmih**, bih Ihtimāmi Wilādīmīr Wilīyāmīnuf Zirnuf, Asāṭīr, Tihrān.
- Biryān, Pīyir, 1998, **Tārīkhi Impirāṭūriyi Hakhāmanishiyān** (Az Kūrush tā Iskandar), Tarjumihyi Mihdī Simsār, Tihrān, Zaryāb, 2 Jildī.
- Dīyānat, Abū al-Ḥasan, 1988, **Farhangi Tārīkhiyi Arzishhā wa Sanjishhā**, 2 J, Tabrīz, Intishārāti Nīmā, 2 Jildī.
- Dulīyih Diland, Āndrih, 2535, **Zibāyihāyi Īrān**, Tarjumihyi Duktur Muḥsin Šabā, Tihrān, Anjumani Dūstdārāni Kitāb.
- Falsafī, Naṣrullāh, 1953, **Jangi Chāldurān**, Dānishkadhiyi Adabīyāt wa 'ulūmi Insānīyi Dānishgāhi Tihrān, Sāli Awwal, Shumārīhyi Du.
- Falsafī, Naṣrullāh, 1965, **Zindigānīyi Shāh 'abbāsi Awwal**, Tihrān, Dānishgāhi Tihrān, 4 Jildī.
- Fīdālgū, Grigurīyu Pirīrā, 2537 Shāhanshāhī, **Guzārishi Safiri Kishwari Purtighāl dar Darbāri Shāh Sulṭān Ḥusīyn**, Tarjumih az Zabāni Purtighāl Zhān Ūbin, Tarjumihyi Parwīn Ḥikmat, Tihrān, Dānishgāhi Tihrān.
- Fīgū'irūā, Dun Gārsiyā, 1984, **Safarnāmih**, Tarjumihyi Ghulām Riḏā Samī'ī, Tihrān, Nashri Nuw.
- Ganj, Wūrāl, 2011, **az Kākhi Hasht Bihisht tā Kākhi Tūpḡapī Styāhiyi Amwālī Shāh Ismā'īl Ghārat Shodih Pas az Chāldurān**, Tarjumihyi Isrā Dughān wa Rasūl Ja'farīyān, Payāmi Bahārīstān Durīhyi Duwwum, Sāli Siwwum, Shumārīhyi Dawāzdah.
- Husīynī Istarābādī, Mīr Ḥusīyn Ibn Murtidā, 1985, **Tārīkhi Sulṭānī (Az Shīykh Šafī tā Shāh Šafī)**, bih Kūshishi Husīyn Ishrāqī, Tihrān, Intishārāti 'ilmī.
- Ibn Athīr Jazrī, 1992, **Tārīkhi Kāmīli Buzurgi Islām wa Īrān**, Tarjumihyi 'abbās Khalīlī wa Abū al-Qāsim Ḥālat, Tihrān, Mu'assisīhyi Maṭbū'āti 'ilmī, 33 Jildī.
- Kampfir, Angīlbirt, 1984, **Safarnāmīhyi Kampfir bih Īrān**, Tarjumihyi Kiykāwūs Jahāndārī, Tihrān, Khārazmī.
- Kārriy Jamalī, 1969, **Safarnāmih**, Tarjumihyi Duktur 'abbās Nakhjawānī wa 'abd al-'Lī Kārang, Intishārāti Idārīhyi Kul +
- Khājīgī Isfahānī, Muḥammad Ma'sūm, 1989, **Khulāṣat al-Sīyar**, Tihrān, Intishārāti 'ilmī.
- Khānd Mīr, Amīr Maḥmūd, 1991, **Tārīkhi Shāh Ismā'īl wa Shāh Ṭahmāsb Šafawī (Dhiyl Ḥabīb al-Sīyar)**, Taṣḥīḥi Muḥammad 'alī Jarrāḥī, Tihrān, Nashri Gustarīh.
- Khānd Mīr, Ghīyāth al-Dīn Ibn Hamām al-Dīn, 2001, **Tārīkhi Ḥabīb al-Sīyar**, Tihrān, Khayyām, 4 Jildī.
- Lākhārt, Lārīns, 2004, **Inqirādi Silsilīhyi Šafawīyih**, Tarjumihyi Ismā'īl Dulatshāhī, Tihrān, Intishārāti 'ilmī wa Farhangī.
- Malikzādīh, Farrukh, 1971, **Ẓarfī Mansūb bih Shāh Ismā'īl Šafawī dar Mūzīhyi Tūpḡapū Sarāyi Istānbūl**, Majallīhyi Barrasīhāyi Tārīkhī, Shumārīhyi 34.
- Maskwaih, Abū 'alī al-Rāzī, 1990, **Tajārub al-Umam**, Jildī Yikum: Mutarjīm Abū al-Qāsim Imāmī, Tihrān, Surūsh.
- Mīnurskī, 2536 Shāhanshāhī, **Tārīkchīhyi Nādīr Shāh**, Tarjumihyi Rashīd Yāsīmī, Tihrān, Kitābhāyi Sīmurgh.

- Mīr Ja'farī, Ḥusiyūn, 1999, **Qal'ihī Qahqahih wa Ahammīyati Ān dar 'aṣri Ṣafawīyih**, Majallihī 'ilmī Pazhūhishīyī Dānīshkadīhī Adabīyāt wa 'ulūmī Insānīyī Dānīshgāhī Iṣfahān, Durīhī Duwwum, Shumārīhī 18 wa 19.
- Mīr Ja'farī, Ḥusiyūn, Siyyid Mas'ūd Siyyid Bunakdār, 1999, **Zargarī wa Jawāhirsāzi dar 'aṣri Ṣafawī**, Majallihī Dānīshkadīhī Adabīyāt wa 'ulūmī Insānī, Shumārīhī 53.
- Mīrzā Rafī'ā, 2006, **Dastūr al-Mulūk**, bih Kūshish wa Taṣḥīḥī Muḥammad Ismā'īl Mārčhīnkufskī, Tarjumihī 'alī Kurdābādī, Tīhrān, Markazī Asnād wa Tārīkhī Dīplumāsī.
- Mīrzā Samī'ā, 1999, **Tadhkirat al-Mulūk**, bih Kūshishī Siyyid Muḥammad Dabīr Sīyāqī, Tarjumihī Mas'ūd Rajabnīyā, Tīhrān, Amīr Kabīr.
- Munajjim, Mulla Jalāl al-Dīn, 1987, **Tārīkhī 'abbāsī yā Rūznāmīhī Mullā Jalāl**, bih Kūshishī Siyfullāh Wahīdnīyā, Tīhrān, Intishārātī Wahīd.
- Munshī Turkamān, Iskandarbiyig, 2003, **Tārīkhī 'ālam Ārāyī 'abbāsī**, bih Kūshishī Īraj Afshār, Tīhrān, Amīr Kabīr, 2 Jildī.
- Mustufī, Muḥammad Muḥsin, 1996, **Zubdat al-Tawārīkh**, bih Kūshishī Bīhrūz Gūdarzī, Tīhrān, Bunyādī Muqūfātī Duktur Maḥmūd Afshār.
- Najd Najafīyan, M.A, M.R Mahdavi Abbas Abad, 2010, The position of Nazer boyoutat during the Safavid period, Journal of Historical Researches, Issue 2, Serial Number6,p.115-134
- Naṣīrī, Mīrzā 'alī Naqī, 1993, **Alqāb wa Mawājibi Durīhī Salāṭīnī Ṣafawīyih**, Taṣḥīḥī Yūsif Raḥīmpūr, Mashhad, Dānīshgāhī Firdusīyī Mashhad.
- Naṣīrī, Muḥammad Ibrāhīm Ibn Zīyn al-'ābidīn (1994): **Dastūrī Shahryārān**, bih Kūshishī Muḥammad Nādīr Naṣīrī Muqaddam, Tīhrān, Bunyādī Muqūfātī Maḥmūd Afshār.
- Qā'imī, Muḥamad, 1970, **Hakhāmanīshīyān dar Tuwrāt**, Iṣfahān, Tā'īdī Iṣfahān.
- Qumī, Qāḍī Aḥmad Ibn Sharaf al-Dīn al-Ḥusiyūn, 2004, **Khulāṣat al-Tawārīkh**, Taṣḥīḥī Iḥsān Ishrāqī, Tīhrān, Dānīshgāhī Tīhrān, 2 Jildī.
- Rustam al-Ḥukamā, Muḥammad Hāshīm Āṣif, 2001, **Rustam al-Tawārīkh**, bih Ihtimāmi 'azīzullāh 'alīzādīh, Tīhrān, Firdusī.
- Rūzbahān Khanjī Iṣfahānī, Faḍlullāh, 2003, **'ālam Ārāyī Amīnī**, Taṣḥīḥī Muḥammad Akbar 'ashīq, Tīhrān, Mīrāthī Maktūb.
- Ṣaḥrāpiymā, Nīdā wa Fā'izih 'aqīq, 2014, **Iṣṭilāḥnāmīhī Ṣanāyī'ī Dastī wa Hunarhāyī Sunnatī (Mī'mārī)**, Tīhrān, Bunyādī Īrānshīnāsī.
- Ṣaḥrāpiymā, Nīdā, 2015, **Iṣṭilāḥnāmīhī Ṣanāyī'ī Dastī wa Hunarhāyī Sunnatī (Nassājī wa Pūshāk)**, Tīhrān, Bunyādī Īrānshīnāsī.
- Sānsun, Mārtīn, 1967, **Safarnāmīh**, Tarjumīyī Duktur Taqī Tafaḍḍulī, Tīhrān, Chāpkhānīhī Zībā.
- **Shāh Ṭahmāsb Ṣafawī**, 1971, **Majmū'ihī Asnād wa Mukātibātī Tārīkhī Hamrāh bā Yāddāshthāyī Tafṣīlī**, bih Ihtimāmi 'abd al-Ḥusiyūn Nawā'ī, Bījā, Intishārātī Bunyādī Farhangī Īrān.
- Shārdan, Jān, J3-1957, J7-1966, J8-1966, J9-1966, **Safarnāmīh**, Tarjumīhī Muḥammad 'abbāsī, Tīhrān, Amīr Kabīr, 10 Jildī.
- Ṭabarī, Muḥammad Ibn Jarīr, 1996, **Tārīkhī Ṭabarī**, Tarjumīhī Abū al-Qāsim Pāyandīh, Tīhrān, Asṭīr, 16 Jildī.
- **Tārīkhnāmīyī Ṭabarī**, 1994, Gardānīdīh Mansūb bih Bal'amī, Taḥqīqī Muḥammad Rushan, Jildī 3, 4 wa 5, Tīhrān, Alburz.
- **Tārīkhnāmīyī Ṭabarī**, 1999, Gardānīdīh Mansūb bih Bal'amī, Taḥqīqī Muḥammad Rushan, Jildī 1 wa 2, Tīhrān, Surūsh.
- Tāwirnīyih, 1990, **Safarnāmīh**, Tarjumīhī Abū Turāb Nūrī, Iṣfahān, Intishārātī Kitābkhānīhī Sanāyī wa Kitābfurūshīyī Tā'īd.
- Ulī'ārīyūs, Ādām, 1984, **Safarnāmīh**, Tarjumīhī Aḥmad Bīhpūr, Bījā, Ibtikār.
- Wahīd Qazwīnī, Muḥammad Ṭāhir, 1950, **'abbāsnāmīh**, Taṣḥīḥī Ibrāhīm Dahīgān, Arāk, Kitābfurūshīyī Dāwūdī.

- Wālih Qazwīnī Işfahānī, Muḥammad Yūsif, 2003, **Khuldi Barīn** (Īrān dar Zamāni Shāh Şafī wa Shāh ‘abbāsi Duwwum), Taşhīḥi Muḥammad Riḍā Naşīrī, Tihrān, Anjumani Āthār wa Mafākhiri Farhangī.

Sources In English

- Bilirgen Emine, Topkapi Palace Museum, Bilkent Kultur Girisimi, Istanbul, Turkiye, 2014.
- Can Turhan, Topkapi palace, Orient, Istanbul
- Genc, Vural, From Tabriz to Istanbul: Goods and Treasures of SHAH ISMA,IL Looted After the Battle of CHALDIRAN, Studia Iranica, 2015, 227-276.

The Administrative Organization of Crown Jewels during the Safavid Period¹

Seyed Masoud Seyed Bonakdar²

Received: 2018.10.20

Accepted: 2019.11.02

Abstract

Whenever powerful dynasties dominated Iran's history, valuable collections of jewels and gold and silver were collected in their treasures. Concurrent to collecting those collections, a systematic and codified organization was created to preserve and maintain those treasures in the royal courts. Within those organizations there were also workshops for the construction and decoration of new jewels. During the Safavid period, the interest of the kings of the dynasty in having a magnificent court, made it possible to collect a collection of the best jewels inside the court of the Safavid kings. In that period, a precise and orderly organization was established to preserve, maintain, prepare, and construct jewels at the Safavid court. In the sources of the Safavid period, valuable information have been provided about the performance of the administrative organization of royal jewelry and its related positions during this period. The present article aims to study the administrative documents of Topkapi of the royal jewelry and the related positions of the collections by studying existing documents and resources.

The research method used in the study is a library research technique and adaptation and analysis of available resources, especially the main ones. In this historical research, after collecting the necessary data, they were organized, analyzed, and finally inferred.

Keywords: Crown jewels, Safavid, Administrative organization, Positions, Royal households

1. DOI: 10.22051/hii.2019.22294.1781

2. Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan: Email: masoudbonakdar@yahoo.com

